

# دوازده

جاستین کرونین

مترجم: محمد جوادی

## فهرست

۱۱	پیش درآمد
۱۹	شیخ
۳۵	آشنا
۲۵۹	مزرعه
۳۰۷	غار
۳۷۱	جاده‌ی نفت
۴۵۳	شورشی
۵۱۵	قانون‌شکن
۶۱۷	همزاد
۶۶۷	ورود
۶۸۷	آدم‌کش
۷۲۳	اهریمنی‌ترین شب سال
۷۸۳	بازگشت
۸۱۱	خاتمه؛ ساعت طلایی
۸۲۵	شخصیت‌های داستان

## پیش درآمد

از نوشته‌های اولین ثبت‌کننده ("کتاب دوازده")

ارائه شده در سومین کنفرانس جهانی در زمان قرنطینه‌ی آمریکای شمالی

مرکز مطالعات فرهنگ‌ها و تقابل‌های انسانی

دانشگاه نیوساوت ولز، جمهوری هند-استرالیایی

۲۱-۱۶ آوریل، سال ۱۰۰۳ پس از انتشار ویروس

[ بخشی از متن آغازین ]

## فصل اول

۱. و چنین شد که فساد و تباهی در جهان گسترش یافت، و جنگ و نزاع به درون قلب انسان‌ها کشیده شد، و هر موجود زنده‌ای را ناپاکی دربرگرفت، و به این ترتیب جهان رؤیایی از مرگ شد؛
۲. و اندوهی عظیم تمام مخلوقات را دربرگرفت.
۳. و فرمان آمد: همچون روزگار نوح، سیلی باید تا زمین را فرا شوید؛ و باید که سیلی از خون باشد. و این انسان‌های با قلب شیطانی باید به موجودات زنده‌ای تبدیل شوند که همه چیز را در راه خود می‌بلعند؛ که ویروسی خوانده می‌شوند.

۴. اولین آن‌ها در میان شما چون مردی با فضیلت خواهد بود درحالی که شیطانی در درونش پنهان است؛ و مقرر است که بیماری بر وی فرود آید، و او را همچون دیوی سازد که حتی نگریستن به او دهشتناک شود. و او پدر تباهی است، که مورد صفر خوانده می‌شود.

۵. و انسان‌ها خواهند گفت: آیا چنین موجودی بهترین سربازان نخواهد بود؟ آیا لشکریان دشمن، با دیدن او، سلاح‌هایشان را بر زمین نخواهند گذاشت تا چشم‌هایشان را بپوشانند؟

۶. و حکمی از طرف بالاترین دفاتر صادر خواهد شد که ۱۲ نفر از جنایتکاران در خون مورد صفر شریک شوند تا به شیطینی چون او تبدیل گردند؛ و نام‌هایشان چون یک نام برده شود، باب کاک- موریسون- چاوز- بافس- تورل- وینستون- سوسا- اکولز- لمبرایت- مارتینز- رین‌هارت- کارتر، که دوازده خوانده شوند.

۷. اما در میان شما یکی را برخواهم گزید که ذهن و قلبش پاک باشد، کودکی که در برابر آنان بایستد؛ و نشانه‌ای خواهم فرستاد که همه بدانند، و این نشانه هیاهوی عظیمی از حیوانات خواهد بود.

۸. و این کودک امی بود، کسی که نامش سرشار از عشق است: امی ارواح<sup>۱</sup>، دختری از ناکجا آباد.

۹. و این نشانه در مکانی در ممفیس ظاهر شد، شیاطین زوزه می‌کشیدند، فریاد می‌زدند و نعره برمی‌آوردند؛ و آن یک نفر که همه چیز را دید لیسبی نام داشت، خواهری روحانی در چشمان خداوند، و به لیسبی الهام شد:

۱۰. تو نیز برگزیده شده‌ای تا همراهی برای امی باشی، و مسیر را بر او بنمایانی. هر جا بروی تو نیز با او خواهی رفت؛ و سفری دشوار خواهی داشت که تا نسل‌ها ادامه خواهد یافت.

۱۱. تو برای این کودک همچون مادر خواهی بود، کودکی که جهان درهم شکسته را شفا دهد؛ که در درون او کشتی‌ای خواهم ساخت تا ارواح پاک را حمل نماید.

۱۲. و این چنین لیسبی، همان کرد که به او الهام شده بود.

## فصل دوم

۱. و چنین مقرر گردید که امی به مکانی در کلرادو برده شود تا اسیر مردانی شریر گردد؛ مکانی که مورد صفر و دوازده نفر در آن به زنجیر کشیده شده بودند، و اسیرکنندگان امی بر آن بودند تا او هم یکی همچون آن دوازده نفر شود و در تفکر با آنان شریک گردد.

۲. و این چنین خون مورد صفر به او داده شد و به خواب عمیق مرگ فرو رفت؛ اما نه جان سپرد و نه به شکل هیولا درآمد. که چنین مقرر نشده بود.

۳. و امی چند روز در این حال بود تا آن که مصیبتی عظیم رخ داد، که روزگار گذشته را از آینه جدا کرد؛ آن دوازده نفر گریختند و همچنین مورد صفر، و مرگ را در روی زمین گسترده.

۴. اما مردی بر امی رحمت آورد و یار او گردید، و وی را از آن مکان رهانید. و نامش ولگاست بود، مردی درستکار در میان هموعانش، و محبوب خداوند.

۵. و امی و ولگاست، به مکانی در اورگان رفتند، در اعماق کوهستان؛ و در آن جا در زمانی که سال صفر خوانده می‌شد زیستند.

۶. و آن زمانی بود که آن دوازده نفر جهان را با عطش خود احاطه کردند، و هر موجودی را می‌کشند؛ و آن‌ها را که سیرایشان نمی‌کردند برمی‌گرفتند و به شیاطینی مانند خود تبدیل می‌کردند تا در اندیشه با آن‌ها شریک شوند. و این چنین دوازده نفر به یک میلیون گسترش یافتند- دوازده قبیله‌ی ویروسی،

<sup>۱</sup>. Amy of Souls